

رگ هایی که در کرمانه ی فین گشوده شد

* دو روز پیش، روز بیستم دی ماه روز کشته شدن امیرکبیر بود. کشته شدن ابر مردی مانند او بر دل هر ایرانی دوستی درد می نشاند.



- * به هنگام زاده شدن او را **تقی** نامیدند که سپس ترها به نام **میرزا تقی خان فراهانی** پر آوازه شد.
- در پی پژوهش هایی که **فریدون آدمیت** انجام داده، گمان می کند که سال زاده شدن **امیرکبیر** آینده ۱۲۲۲ فرارفتی (هجری) است.
- او در **هزاوه ی فراهان** چشم به جهان گشوده است. خانواده ی پدر و مادری او از پیشه وران بودند.
- نام پدرش **کربلایی محمدقربان** و آشپز خانه ی **قائم مقام** بزرگ بوده است. پس از **قائم مقام** بزرگ، پسرش **میرزا ابوالقاسم**
- قائم مقام** دوم جای پدر نشست و **کربلایی محمدقربان** همان کار آشپزی را در خانه ی او دنبال کرد.
- **قائم مقام** هم، به او و هم، به پسرش **امیرکبیر** آینده دل بستگی داشت. از اینرو **امیرکبیر** آینده، خود را وامدار این خانواده می دانست.
- در زمان **خردسالی تقی**، کشور سر و سامان درستی نداشت ولی خوشبختانه مردانی داشت که یک سر و گردن از همردیفان خود بالاتر و خواهان دگرگونی ها و بهتر شدن زندگی مردم بودند.
- **تقی** بسیاری از آموخته های خود مانند معرفت - کتابت - انشاء را در خانه ی **قائم مقام** آموخت و کار کردن در کنار **عباس میرزا** افق های تازه ای را به روی او گشود.
- **میرزا تقی خان** از زمان کودکی به تیز هوشی پرآوازه بود و داستان هایی از کودکی و نوجوانی او گفته شده است. از اینرو او توانست پله های پیشرفت را یکی پس از دیگری بالا برود. در آغاز او توانست جای خود را در میان نویسندگان دستگاه **قائم**

مقام

باز کند.

- **تقی** در کودکی هنگامی که ناهار فرزندان **قائم مقام** را می آورد، برای باز پس بردن آوندها (ظروف) در چهارچوب در می ایستاد

و آنچه را که آموزگار به آنان می آموخت، فرا می گرفت. روزی **قائم مقام** برای آزمایش پسرانش آمده و هر چه پرسید، فرزندان از پاسخ به آنها در می ماندند، ولی **تقی** پاسخ می داد.

- **قائم مقام** پرسید « **تقی** تو کجا اینها را آموخته ای؟ » پاسخ شنید « روزها که خوراک آقازاده ها را می آورم، ایستاده و می شنوم. **قائم مقام** پاداشی به او داد. **تقی** آن پول را نگرفت و گریه کرد. **قائم مقام** پرسید چه می خواهی؟ وی گفت: « به آموزگار دستور دهید هر آنچه را که به آقازاده ها می آموزد به من هم یاد بدهد. **قائم مقام** پذیرفت و آموزگار را دستور داد تا به **تقی** نیز آموزش دهد.

- بدینگونه کودکی و نوجوانی **میرزا تقی خان**، نزد **قائم مقام** سپری شد. او شیوه های دبیری، نامه نگاری و نوشتن فرمان های دیوانی را از **قائم مقام** آموخت تا جایی که نوشتن پاره ای از دستورها به **میرزا تقی خان** واگذار شد.

- او کم کم به کارهای اداری و دیوانی به خوبی آشنا شد و چون از خود شایستگی بسیاری نشان داد و **ناصرالدین شاه** نیز به او

دل بستگی داشت بر جایگاه نخست وزیری شاه نشست.

- **میرزا تقی خان فراهانی** پیش از نشستن بر جایگاه نخست وزیری سه بار برای انجام کارهای بزرگی به برون مرز رفته بود. دو بار به **روسیه** و یک بار هم به **عثمانی** که در پی گزارشها در انجام هر سه دستوربری (مأموریت) از خود شایستگی هایی نشان داده است.

- دیدگاه **روبرت کرزن**، دبیر نمایندگی **انگلیس** در باره ی **میرزا تقی خان فراهانی** چنین است:

« **میرزا تقی خان** را نمی توان با دیگران سنجید. در میان دیگر نمایندگان چهار دولتی که در این همایش گرد هم آمده بودند، او

برجسته ترین نماینده بود.

* برنامه های (عناوین) امیر کبیر:

کربلایی محمد تقی - میرزا محمد تقی خان - مستوفی نظام - وزیر نظام - امیر نظام - امیر کبیر - امیراتابک اعظم همچنین وی خواهر **ناصرالدین شاه** را به همسری گرفت و شوهر خواهر شاه ایران شد. این زناشویی در ۲۶ بهمن ماه ۱۲۲۷ انجام شد. در آن زمان **امیرکبیر** ۴۱ ساله و خواهر شاه، **ملک زاده خانم** ۱۶ ساله بود. برنامه (لقب) **ملک زاده خانم**، **عزت الدوله** بود.

میوه ی این زناشویی دو دختر بود.

* پیش از اینکه **میرزا تقی خان فراهانی** داماد شاه شود، برای نخستین بار دختر عموی خود که نامش **جان جان خانم** و دختر **شهبازخان** بود را به همسری برگزیده بود. میوه ی این زناشویی یک پسر و دو دختر بود. هنگامی که **امیرکبیر** نخست وزیر شد

این دو از هم جدا شدند. همسر نخست **امیر** در سال ۱۲۴۸ در آذربایجان درگذشت.

- نخستین رهسپاری امیر به **روسیه** بود. او همراه **خسرو میرزا** برای پوزش خواهی از کشته شدن **کریبایدوف** که در تهران رخ داده بود، به آن کشور می رفت.

* **الکساندر کریبایدوف کی بود.**

الکساندر کریبایدوف دیپلمات، نمایشنامه نویس، سراینده و آهنگ ساز روسی بود. او به نام نماینده (سفیر) و همه کاره ی **روسیه** تزاری به ایران فرستاده شده بود.

کریبایدوف بر آن شد که کارهای دیگر را رها کرده و کمابیش به کار سیاست بپردازد. او در یکی از سخت ترین زمان های تاریخ

ایران، به هنگام فرمانروایی **دودمان قاجارها**، به ایران فرستاده شد تا عهدنامه ی **ترکمنچای** را بنویسد.

پس از دستیته شدن عهدنامه ی **ترکمنچای**، **کریبایدوف** در جایگاه نماینده ی (سفیر) **روسیه** به ایران فرستاده شد.

کریبایدوف در ۱۱ ژانویه ۱۸۲۹ به تهران آمد و فردای آن روز به نزد **فتحعلی شاه** رفته و استوار نامه ی خود را به شاه ایران

نشان داد. او با ایرانیان به ستمگری و درشت خوئی رفتار می کرد.

- بسیاری از مردم در تهران از دستیته (امضاء) شدن آشتی نامه ی **ترکمنچای** خشمگین بودند. از اینرو به راهنمایی تنی به نام

میرزا مسیح مجتهد، در تاریخ ۱۱ فوریه ۱۸۲۹ به سفارت **روسیه** ریختند. شماری از مردم که شمارشان به چهار یا پنج هزار تن

می رسید با چوب و چوبدستی های بزرگ (چماق) در برابر سفارت **روسیه** گرد آمدند. در آغاز چند قزاق و کارمند ساده ی

سفارت

با گلوله‌ی نگهبانان کشته شدند. ولی کم کم مردمی هم که، ابزارهای گرم داشتند، به پرخاشگران پیوسته و به زور درون سفارت روسیه شدند. قزاق‌ها با ناامیدی می‌جنگیدند ولی در برابر مردم ناخشنود، شمارشان کم بود. زمانی کوتاه که گذشت یکی از پرخاشگران از دیوار جایی که سفیر در آن زندگی می‌کرد، بالا رفته و به تیراندازی پرداخت. او توانست خوابگاه سفیر را سوراخ کرده و به تیراندازی بپردازد. یکی از نخستین گلوله‌های او **گریباندوف** را از پای در آورد.

- با کشته شدن **گریبایدوف**، می‌رفت که جنگی دیگر میان **ایران** و **روسیه** در گیرد. ولی با فرستادن گروهی عالی رتبه به همراه **خسرو میرزا قاجار**، پسر **عباس میرزا**، **میرزا تقی خان** (امیرکبیر آینده) و **محمدخان زنگنه امیر انتظام به مسکو**، کار به جاهای باریک نکشید. آن گروه نامه‌ی پوزش خواهی را که **فتحعلی شاه** نوشته بود، همراه داشته و به تزار **نیکلای یکم** پیشکش کردند.

همچنین **خسرو میرزا**، نوه‌ی **فتحعلی شاه**، برای دلجویی و خون بها الماس گرانبهای ۸۸ قیراطی را، در **پیتربورگ** به تزار **نیکلای یکم** پیش کش کرد.

جای یاد آوری دارد که این الماس، در میان گوهرهایی بود که **نادرشاه افشار**، **پادشاه بزرگ ایران**، به نام زیان‌های جنگی از **هندوستان** به **ایران** آورده بود. **نادرشاه** در جنگ با **هندوستان** پیروز شده و گوهرهای ناب و بی‌همتایی را به **ایران** آورده بود که همه از دارایی‌های **ایران** بودند.



فرتوری از گریبایدوف

- * کارهای آبادانی که امیر کبیر در زمان نخست وزیری انجام داد:
- برپایی آرامش و سامان دادن به بی سامان ها. به دنبال سامانی که او در هازمان (جامعه) پیاده کرد کمتر ستمگری می توانست
 - به بیچارگان دست درازی کند.
 - در زمانی که او بر سر کار بود دزدی و هرزگی در هازمان به کمترین اندازه رسیده بود،
 - بر انداختن باجگیری (رشوه گیری)،
 - بر انداختن سنت قمه کشی،
 - سر و سامان دادن به گنجینه ی (خزانه) کشور،
 - نپرداختن دریافتی های ماهانه ی بسیار از درباریان و وابستگان آنها،
 - به راه انداختن اداره ی آگاهی. کارمندان این اداره با پوشاک چوپانی ، فروشندگان دوره گرد و گدا در میان مردم می گشتند و

در هر کجا هر کسی کار نادرستی انجام می داد، بی درنگ امیر را آگاه می کردند،
- براندازیِ روش شکنجه و واگذاریِ داوری به کسان درستکار،
- ساخت بیمارستان و واداشتنِ همه ی مردم به مایه کوبیِ آبله. هر کس که از بیماریِ آبله می مُرد، بستگانی او می بایستی ۵ تومان
تاوان بپردازند،

در این زمینه داستانی بر سر زمانها بود و دهان به دهان میان مردم می گشت. گویند روزی پیرمردی به دفتر کار **امیر** می رود و گریان و نالان به او می گوید پسرش از بیماریِ آبله درگذشته و او می باید ۵ تومان تاوان بپردازد و این پول را ندارد. امیر در سوگواریِ پیرمرد با او همدردی می کند. و به پیرمرد می گوید من نمی توانم بگذارم کسی از دستوری که داده ام سرپیچی کند. و چون تو می گویی توانایی پرداخت این پول را نداری، من از جیب خودم آن را به جای تو می پردازم که دات (قانون) کشور انجام شده باشد،
- برپاییِ چاپارخانه،
- برپاییِ میدان توپخانه و ساختنِ ساختمانی برای آن،
- برپاییِ میدان سبزه میدان تهران و ساختنِ ۲۰۰ خانه در پیرامون شهر برای مردم،
- بر پا نمودن دارالفنون،
- راه اندازیِ نخستین روزنامه در ایران به نام **وقایع اتفاقیه**،
- فرستادنِ جوانان به کشورهای دیگر برای آموختن فنهای تازه،
- برپاییِ کارخانه های پارچه بافی - شکر ریزی - چینی و بلور سازی - کاغذ سازی - چدن ریزی،
- به کار گماردن استادانی از کشورهای دیگر که جوانان ایرانی پس از آموختن از آنها کارها را به دست گیرند،
- از میان برداشتنِ برنامه ها،
- نو سازی ساختمانهای تاریخی،
- گسترش ساده نویسی و چاپ و پخش نَسک (کتاب) های دانشی،
- فرستادنِ پیشه وران به **روسیه** برای برابری کردن هنر استاد کارانِ توانای اسپهانی با آنها،
- گسترش کشاورزی و آبیاری،
- گسترش بازرگانی درون مرزی و برون مرزی،
- کوتاه کردن دست بیگانگان در کارهای کشوری،
- روشن نمودن راه و روش سیاست برون مرزی،
- راست و درست کردنِ کارهای مالی و پیش بینی کردن هزینه ها و درآمد کشور.

* **امیرکبیر** یکی از نخست وزیران شایسته ی **ناصرالدین شاه قاجار** بود. او پس از اندک زمانی که بر جایگاه نخست وزیری نشست سرگرم سَر و سامان دادن به نا بسامانی های کشور شد. **امیرکبیر** سه سال و سه ماه نخست وزیر شاه جوان (۱۶ سال) بود.

خواهی نخواهی به سازی های **امیرکبیر** بسیاری را خوش نیامده و به دشمنی با او پرداختند. یکی از آن کسان **آقاخان نوری** و

دیگری **مهدعلیا مادر شاه** بود. ناآگاهی های **شاه جوان** پایه و مایه ی آن شد که در ۲۰ ماه محرم ۱۲۶۸ فرارقتی ماه (هجری قمری)، **امیر کبیر** از نخست وزیری برکنار و در ۲۵ همان ماه دستش از همه ی کارهای اداری، دولتی و دفتری کوتاه شده و پس

از چند روز از تهران دور و به **کاشان** رانده (تبعید) شد.
- ولی دشمنان او به همین بسنده نکرده و از ترس اینکه شاه پشیمان شده و بار دیگر **امیرکبیر** را بر سر کار بیاورد، به اندازه ای

در گوش **ناصرالدین شاه** خواندند و خواندند و از **امیر** بدگویی کردند تا دستور کشتن او را از شاه گرفتند.
- در روز ناهید شید (جمعه) ۲۰ دی ماه سال ۱۲۳۰، **دستان** ناپاکِ مردِ ناشایسته ای به نام **حاج علیخان مراغه ای**، پیراوزه به **حاجب الدوله**، از آستین بیرون آمده و هنگامی که **امیرکبیر**، این مرد باخرد و ایراندوست در گرمابه ی **فین** سرگرم شستشو بوده، بر سرش ریخته و رگ دستها و پاهایش را می بُرد؟!
- در آغاز پیکر پاک آن ابر مرد تاریخ ایران را در **کاشان** به خاک می سپارند. ولی پس از چند ماه، به کوشایی همسرش **عزت الدوله** پیکر **امیرکبیر** به کربلا برده و به خاک سپرده می شود.

* در جنگ **عراق و امریکا**، در **نجف**، جایی که پیکر پاک **امیرکبیر** به خاک سپرده شده بود، بمباران شده و دیگر هیچ جای پایی از آنجایی که **امیرکبیر** در آنجا به خواب همیشگی رفته، به جای نمانده است.
- شوربختانه هیچ کاری هم از سوی حکومت جمهوری اسلامی برای شناسایی و بازسازی آرامگاه آن مرد بی همتا انجام نگرفت.

وای بر ما که در برابر میهن دوستانمان، به جای سپاسگزاری چنین رفتاری داریم !!

تفو بر تو ای چرخ گردون تفو

فراهم کننده : ژاله دفتریان
پاریس ۲۲ دی ماه ۲۵۸۰ ایرانی
برابر با ۱۲ ژانویه ۲۰۲۲ ترسایی